

بررسی نقش عوامل اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی مؤثر در نگرش منفی به ازدواج (مطالعه موردی شهروندان شهرستان کاشان)

الهام شفائی مقدم*

محسن نیازی**، محسن شاطریان***

چکیده

نگرش به ازدواج یکی از سازوکارهای کلیدی برای پیش‌بینی رفتار واقعی در ازدواج است که از عوامل متعدد اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی تأثیر می‌پذیرد. بنابراین، این مطالعه با هدف بررسی عوامل متعددی که در نوع نگرش جوانان به ازدواج تأثیرگذار بوده و مقدمات افزایش سن ازدواج را فراهم کرده انجام شده است. به‌علت خصلت چندبعدی پدیده‌های اجتماعی و انسانی و تکرر نظریه‌های متعدد درخصوص زوایای گوناگون ازدواج، در این تحقیق سعی کرده‌ایم با تلفیق نظریه‌های نوسازی، مبادله، و نظریه اقتصادی به شناخت و تبیین بهتری از نگرش منفی به ازدواج و علل افزایش سن ازدواج دست یابیم.

این مطالعه از نوع پیمایش اجتماعی است و برای جمع‌آوری اطلاعات از روش پرسش‌نامه، توأم با مصاحبه، استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش شامل جمعیت فعال (۱۵-۶۵ سال) شهرستان کاشان در سال ۱۳۹۱ است. با بهره‌گیری از فرمول نمونه‌گیری کوکران، تعداد ۶۲۰ نفر به‌منزله حجم نمونه تعیین و با استفاده از روش تصادفی افراد مورد مطالعه انتخاب شدند.

* دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول)،
e.shafaii@grad.kashanu.ac.ir

** استاد گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، niazim@kashanu.ac.ir

*** دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده منابع طبیعی و علوم زمین، دانشگاه کاشان،
Shaterian@kashanu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۲/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۴/۱۲

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که بین متغیرهای خانواده، وضعیت اقتصادی، افزایش توقعات، بی‌کاری، سنگینی مخارج ازدواج، انحرافات اجتماعی و اخلاقی، کارکرد نامناسب رسانه‌ها، ترس از آینده، و تضعیف باورهای دینی با متغیر نگرش منفی به ازدواج رابطه معناداری وجود دارد. هم‌چنین، مقدار آماره F محاسبه شده در رگرسیون تک‌متغیره نشان می‌دهد هر یک از عوامل فوق در پیش‌بینی نگرش منفی به ازدواج مؤثر است. به‌گونه‌ای که عوامل تضعیف باورهای دینی ($F=15/57$) قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده و بعد از آن عوامل سنگینی مخارج ازدواج ($F=10/49$) و افزایش توقعات ($F=7/34$) قرار دارند.

کلیدواژه‌ها: نگرش به ازدواج، سن ازدواج، خانواده، باورهای دینی، افزایش توقعات.

۱. مقدمه

هرچند تشکیل خانواده را باید عملی ارادی دانست که به خواست‌ها، تمایل‌ها، و دیدگاه‌های فردی افراد مربوط می‌شود، اما زندگی اجتماعی انسان و روابط پیچیده او با محیط و اجتماع ازدواج و فرایند آن را تحت تأثیر روابطی دوسویه با متغیرهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، جمعیتی، و حتی سیاسی قرار می‌دهد، ضمن آن‌که انگیزه‌ها و تمایل‌های افراد نیز از آن‌ها اثر می‌پذیرند. بنابراین، ازدواج هم می‌تواند در سطح خرد و از دیدگاه افراد و خانوار بررسی شود و هم از دیدگاه کلان به آن نگریسته شود.

نگرش به ازدواج عبارت است از عقیده ذهنی و باورهای فرد درباره ازدواج (Brateen and Rosen, 1998) که در مراحل اولیه زندگی شکل می‌گیرد و سازه‌ای نسبتاً ثابت است (Trent and South, 1992). شکل‌گیری نگرش به ازدواج با دو رویکرد نظری توجیه‌پذیر است: اول آن‌که براساس نظریه دل‌بستگی رابطه والدین یا مراقبان اولیه (به خصوص مادر) در ایجاد الگوهای فعال درونی (internal working models) نقش دارد (Mikulincer and Shaver, 2007: 47-49). الگوهای فعال درونی ممکن است یکی از سازوکارهایی باشد که از طریق آن نگرش به صمیمیت انتقال می‌یابد (Risch et al., 2004). در نظریه‌های دل‌بستگی کنونی رابطه والدین با کودک نه تنها در دوران کودکی مهم است، بلکه در دوران نوجوانی نیز اهمیت دارد (Freeman and Brown, 2001). هم‌چنین، براساس نظریه یادگیری اجتماعی، والدین ایده‌های خود را درباره رابطه با جنس مخالف از طریق الگوسازی و یادگیری جانشینی به فرزندان خود انتقال می‌دهند و نگرش فرزندان به صمیمیت از طریق

مشاهده والدین و روابط بین آن‌ها الگوبرداری می‌شود (Risch et al., 2004; Segrin et al., 2005). از طرف دیگر، فرزندان تجربه رابطه خود با والدین را مبنایی برای برقراری صمیمیت در روابط به‌کار می‌برند. این یادگیری از منابع دیگری مانند رسانه‌ها، مدرسه، و یا دوستان نیز صورت می‌گیرد (Risch et al., 2004). با توجه به اهمیت ازدواج در زندگی انسان و تأثیر نوع نگرش افراد به ازدواج در موفقیت یا شکست در این زمینه، محققان تأثیر نگرش به این مفهوم را در فرایند ازدواج بررسی کرده‌اند. برای مثال، اردبیلی (Ardebily, 1988) معتقد است که نگرش منفی به ازدواج باعث می‌شود که جوانان ازدواج نکنند یا دیرتر ازدواج کنند و در صورت ازدواج هم ضریب احتمال طلاق بالا رود. بنابراین، این نگرش‌ها و احساس‌ها پایه‌های اساسی تصمیم‌گیری برای چگونگی ازدواج، زمان ازدواج، و نیز انتظاراتها و رفتارهای زناشویی را شکل می‌دهند (Gotman, 1993).

علاوه بر این، مسئله گریز از ازدواج یکی از موضوع‌های مطرح در جامعه است که کم‌ویش گریبان‌گیر جوانان شده است. افرادی با حساسیت‌های افراطی خاص یا به دلایل گوناگون پس از گذشت سال‌ها از سنین جوانی هم‌چنان در تجرد به‌سر می‌برند. سن ازدواج به‌طور طبیعی به عوامل بسیاری بستگی دارد، اما این عوامل در جامعه گاه به‌صورت معمایی حل‌نشده درآمده است که ازدواج را به تأخیر می‌اندازد و سن ازدواج را تا حد غیرمعمولی بالا می‌برد (ساروخانی، ۱۳۷۰ به نقل از فولادی، ۱۳۸۸: ۷۹). افزایش سن ازدواج و نگرش منفی به ازدواج را باید مسئله‌ای اجتماعی دانست، آن هم در وضعیتی که عوامل تحریک‌کننده جنسی در جامعه بیش‌تر شده و سن بلوغ جنسی کاهش چشم‌گیری یافته است. مسئله اجتماعی مسئله‌ای است که با تعداد فراوانی از مردم در ارتباط است و ناشی از علل اجتماعی - ساختاری و هم‌چنین مستلزم راه‌حل‌های اجتماعی - ساختاری است (لوزیک، ۱۳۸۳: ۲۳-۳۵). عوامل مؤثر در نگرش به ازدواج ارتباط نزدیکی با یک‌دیگر دارند و تداخل بین آن‌ها اجتناب‌ناپذیر است. این عوامل را می‌توان در چهار دسته عوامل جسمی و روانی، عوامل اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی طبقه‌بندی کرد، که هر کدام به‌نحوی در نگرش به ازدواج اثر می‌گذارند. افزایش سهم زنان در آموزش عالی، گسترش اجتماعات شهری، فزونی تنوع فرهنگی، گرایش به بازار کار و اشتغال زنان، افزایش بی‌کاری جوانان، و مسائل و مشکلات اقتصادی از جمله مهم‌ترین عوامل بی‌میلی جوانان به ازدواج و افزایش سن ازدواج در ایران به‌شمار می‌روند.

بر این اساس، در این پژوهش، علل و عوامل متعددی که در نوع نگرش جوانان به ازدواج اثرگذارند و زمینه‌های تأخیر در سن ازدواج را فراهم می‌کنند کنکاش و بررسی می‌شوند.

۲. مباحث نظری

عوامل بسیاری در نگرش جوانان به ازدواج مؤثرند که برخی از آن‌ها واقعی و برخی ساخته و پرداخته خود ما هستند. مشکلات روحی و روانی بسیار باعث می‌شود که جوان نتواند به راحتی تصمیم به ازدواج بگیرد. تحقیقات نشان می‌دهد اکثر افرادی که حتی شرایط ازدواج برای‌شان فراهم است بر اثر اضطراب و ترس که ناخودآگاه در وجود آن‌ها نهفته است از ازدواج سر باز می‌زنند و بیش‌تر به نکات منفی و مسئله‌شکست در ازدواج فکر می‌کنند (خلیقی، ۱۳۶۶). این نوع ترس از ازدواج در بعضی افراد که شخصیت ویژه‌ای دارند به وجود می‌آید و بیش‌تر بر اثر نبود آگاهی و شناخت است (برهانی، ۱۳۸۶: ۱).

برخی از عوامل نگرش منفی به ازدواج و افزایش سن ازدواج به مسائل اجتماعی و فرهنگی برمی‌گردد. گرچه کشور ما از فرهنگی غنی و اسلامی برخوردار است، اما بنا بر دلایلی این فرهنگ کم‌رنگ شده و سفارش‌های اکید اسلام به تعجیل در ازدواج و کراهت از تأخیر آن تا حدی بین جوانان به فراموشی سپرده شده است. جوان ایرانی که در گذشته مهم‌ترین برنامه‌اش در اولین فرصت ازدواج و تشکیل زندگی بود، امروز دیگر این‌گونه فکر نمی‌کند و حتی عده‌قلیلی زمان ازدواج را مختص میان‌سال‌ی می‌دانند. نفوذ فرهنگ غربی به ذهن جوانان یکی از عوامل مهم در تأخیر سن ازدواج و بی‌رغبتی جوانان به ازدواج به‌موقع است (رجبی، ۱۳۸۶: ۱۴۸).

کم‌رنگ شدن ارزش‌های معنوی و جانشین شدن ارزش‌های مادی به‌جای آن‌ها سبب شده است جوانان به همه‌چیز، از جمله ازدواج، رنگ و لعاب مادی بدهند و به‌جای آن‌که کسب فضایل انسانی را هدف خود در زندگی قرار دهند و ازدواج را عاملی برای نزدیک‌تر شدن به خدا و کامل شدن ایمان بدانند، در به‌دست آوردن ثروت دنیا و نمایاندن ظواهر فریبنده زندگی مادی مسابقه بگذارند. علاوه بر این، دگرگونی‌های فرهنگی مانند آداب و رسوم نوین، بعضی خانواده‌ها، تهیه تجهیزات‌های بسیار سنگین و زندگی تجملی، و تقلیدهای کورکورانه و چشم و هم‌چشمی در این خصوص چون سد بزرگی بر سر راه ازدواج جوانان قرار گرفته‌اند.

از عوامل دیگر تأثیرگذار در نگرش منفی به ازدواج آموزش‌ندیدن افراد و ناآگاهی فرزندان در این زمینه است (خورشیدوند، ۱۳۷۱). ناآگاهی والدین از ضرورت ازدواج به‌موقع فرزندان نیز از جمله عواملی است که بعضاً باعث بروز پاره‌ای بی‌تفاوتی‌ها می‌شود که بیش‌تر در خانواده‌های محروم و کم‌سواد روی می‌دهد و یا مانع‌تراشی‌های بی‌موردی را موجب می‌شود که عملاً بر مشکلات ازدواج جوانان می‌افزاید.

علاوه بر آن، رفتار و شیوه‌های تربیتی والدین از عوامل مؤثر در ازدواج جوانان به‌شمار می‌آید. در خانواده‌های مستبد، فرزندان ناملایمت‌های مجرد را بر گرفتاری‌ها و مشاجره‌های خانواده‌های متأهل ترجیح می‌دهند. در خانواده‌هایی که پدر تندخو و مستبد است فرزند دختر ممکن است خود را با مادر تطبیق دهد و با وی رابطه صمیمانه‌تری برقرار کند، اما به‌دلیل مشاهده پدر، تصویر نادرستی از مردان در ذهن پیدا می‌کند و به‌آسانی به هر خواستگاری جواب مثبت نخواهد داد. در خانواده‌هایی که مادر تندخو و بهانه‌گیر است، فرزند پسر ممکن است با مشاهده رفتار ناصحیح مادر زنان و دختران را مانند او پندارد و در گزینش همسر دچار وسواس شود.

در خانواده‌هایی که پدر و مادر هر دو تندخو و خشن‌اند و فرزندان در کانونی پر از مشاجره بزرگ می‌شوند، پسر و دختر ممکن است در انتخاب همسر دچار مشکل و به آینده و تشکیل خانواده بدبین شوند، چراکه مهر و محبت را لمس نکرده و به‌درستی تربیت نشده‌اند. آنان درباره ازدواج دلهره دارند که این امر خود می‌تواند عاملی برای تأخیر در امر ازدواج شود (فولادی، ۱۳۸۸: ۸۰، ۸۱).

با مرور پژوهش‌های مرتبط با نگرش به ازدواج، می‌توان به یافته‌های استن و هاتچینسون (Ston and Hutchinson, 2009) اشاره کرد که معتقدند نگرش به خود یا دیگران تحت تأثیر خانواده است. وایز و کینگ (Wise and King) معتقدند که افراد الگوهای شناختی — رفتاری و عاطفی خود را از محیط خانواده می‌گیرند و محیط خانواده در عزت نفس، انتظارات، نگرش‌ها، و رفتارهای بین‌فردی افراد درباره مسائل گوناگون اثر می‌گذارد.

از سوی دیگر، گسترش و همگانی شدن تحصیلات یکی از ره‌آوردهای مهم نوسازی است. تأثیر قدرتمند میزان تحصیلات بالا در افزایش سن ازدواج (به‌ویژه سن ازدواج زنان) در بسیاری از مطالعه‌ها نشان داده شده است (سگالن، ۱۳۷۰؛ Smith, 1980; Joshi, 2003; Quisumbing and Holman, 2003; Mitra, 2004).

درواقع، مزدوج‌بودن هزینه‌های ادامه تحصیل را افزایش و منافع مورد انتظار ادامه تحصیل را کاهش می‌دهد (Brien and Lillard, 1994). زنان به هنگام تحصیل تمایل دارند، به‌جای تخصیص زمان برای شوهرداری و امور منزل، زمان خود را به مطالعه و تحصیل بگذرانند.

تحصیلات عالی برای زنان بیش‌تر از این نظر اهمیت دارد که موقعیت اجتماعی آنان را افزایش می‌دهد. زنانی که تحصیلات بالاتری دارند معمولاً می‌توانند با مردانی ازدواج کنند که از موقعیت اجتماعی و اقتصادی بالاتری برخوردارند (بستان، ۱۳۸۳: ۲۱). ضمن آن‌که، با

بالارفتن سطح تحصیلات، زنان می‌توانند فرصت‌های شغلی بهتری کسب کنند و از این طریق وابستگی درآمدی و اقتصادی کم‌تری به شوهران خود داشته باشند (Becker, 1974). می‌توان گفت طولانی‌شدن دوره تحصیل، ضرورت کسب تخصص و تأمین معاش زندگی، و ایجاد توقعات اجتماعی جدید مانند میل به داشتن همسری با مدرک تحصیلی عالی و شغل معتبر از عوامل افزایش سن ازدواج در ایران است (بهنام، ۱۳۴۸: ۱۵۶). به عبارت دیگر، تحصیلات ارزش‌ها و باورهای جدیدی را در دختران ایجاد می‌کند که به مقاومت آنان در مقابل سنت‌ها منجر می‌شود و این تمایل را در آنان شکل می‌دهد که یا به انتخاب خود ازدواج کنند و یا ازدواج را برای کسب انتخاب بهتر به تأخیر اندازند (Kabir et al., 2001; Ikamari, 2005). در واقع، تأثیر آموزش و تحصیلات در ازدواج را می‌توان به دو مسیر متفاوت استقلال و جذابیت تقسیم کرد. تأثیر استقلال از این لحاظ است که زنان دارای تحصیلات بالاتر به لحاظ اقتصادی مستقل‌اند و به این ترتیب می‌توانند از ازدواج امتناع کنند یا آن را برای یافتن همسر بهتر به تأخیر اندازند. تأثیر جذابیت از این نظر است که زنان با تحصیلات بالاتر، به علت دست‌مزد بالاتر یا ظرفیت درآمدی بهتر، در پی ازدواج با همسران جذاب‌تری خواهند بود (Bruderl and Diekmann, 1997) به نقل از ضرابی و مصطفوی، ۱۳۹۰: ۴۱).

علاوه بر این، تأمین معاش و هزینه زندگی از مهم‌ترین نگرانی‌های جوانان در امر ازدواج است. امید به آینده از پیش‌نیازهای ازدواج است و اگر امید به آینده با عواملی مانند مشکلات اقتصادی و اجتماعی تضعیف شود، ازدواج هم مشکل می‌شود (گزارش سمینار عصر جدید، ۱۳۷۰). هزینه زندگی، که معمولاً خود را در جهیزیه و هزینه‌های تشکیل زندگی نشان می‌دهد (ضرابی و مصطفوی، ۱۳۹۰: ۳۹)، باعث می‌شود جوانانی که درآمد کافی برای ادامه زندگی حداقلی ندارند کم‌تر به خود جرئت ازدواج بدهند. بسیاری از جوانان به علت چشم و هم‌چشمی‌های نادرست و آداب و سننی که هزینه‌های سنگینی را موجب می‌شوند حتی مقدمات ازدواج را هم نمی‌توانند فراهم کنند، در نتیجه از فکر ازدواج نیز هراسان‌اند.

بهنام در کتاب *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی ایران* اظهار می‌کند:

در گذشته به دلیل آن‌که طلاق معمول نبوده است، مهریه اندک پذیرفته می‌شد، اما از چندی پیش تأثیر زندگی شهری و نامطمئن بودن آینده زنان بر میزان مهریه افزوده است. سنگینی هزینه‌های مربوط به تهیه جهیزیه و مخارج سنگین جشن ازدواج اشکال دیگری است که دایره همسرگزینی را تنگ‌تر می‌کند (بهنام، ۱۳۴۸: ۱۲۹).

به این ترتیب، نگرش مثبت جوانان به ازدواج کاهش می‌یابد. وی در ادامه اضافه می‌کند، برخی از مشکلات مالی نیز بر اثر مقتضیات زندگی جدید پدید آمده است. در گذشته، به سبب سبک خانواده پدرسالار و گسترده، زوج‌های جوان بلافاصله بعد از ازدواج به منزل پدر داماد منتقل می‌شدند (پدرمکانی) و با مشکلات هزینه مسکن مستقل مواجه نبودند، اما امروزه وضع اقتصادی و تفاوت و گاه تضاد سلیقه‌ها و عقاید ایجاب می‌کند که نسل تازه زندگی جداگانه‌ای (نومکانی) ترتیب دهند (همان: ۱۵۴).

در این زمینه، نظریه‌های اقتصادی بیش‌تر وابستگی بین تحصیلات و تشکیل خانواده را تحلیل می‌کنند. بکر (Becker, 1974)، با ارائه نظریه اقتصادی ازدواج، از نقش تصمیم‌گیری فرد در بازار ازدواج برای ازدواج کردن یا مجردماندن براساس منافع و هزینه‌های حاصل از این تصمیم بحث می‌کند (کنعانی، ۱۳۸۵: ۱۰۹). هرچند این تئوری شمول و جامعیت کافی را ندارد، زیرا مسائل اقتصادی مانند نحوه امرار معاش و گذران زندگی و داشتن سرپناه و مسکن برای شروع یک زندگی مهم است، اما این عوامل باعث ایجاد موانعی دیگر، به‌منزله علل بازدارنده ازدواج، شده است. در این باره می‌توان گفت عواملی چون میزان تحصیلات، مهریه، جهیزیه، آداب و رسوم در ازدواج، و قناعت‌نداشتن اکنون به‌صورت موانعی در کنار مشکلات اقتصادی قرار گرفته‌اند و عرض اندام می‌کنند (مجدالدین، ۱۳۸۶: ۳۷۸، ۳۷۹).

براساس این نظریه می‌توان چنین گفت که ازدواج، مانند دیگر رفتارهای اقتصادی، نوعی مدل «حداکثرسازی مطلوبیت» به‌شمار می‌رود. به‌عبارت دیگر، ازدواج انجام می‌شود اگر و فقط اگر مطلوبیت دو طرف بر اثر این ازدواج افزایش یابد (Becker, 1973). در این چهارچوب، همه عواملی که می‌توانند در رفتار و تصمیم ازدواج تأثیر بگذارند از نگاه مطلوبیت و منافع حاصل از ازدواج بررسی می‌شوند.

از سوی دیگر، میزان ثروت خانواده‌ها و درآمد آن‌ها براساس تئوری اقتصادی، با توجه به هنجارهای حاکم بر بازار ازدواج، در نگرش و گرایش به ازدواج مؤثر است. بنا بر آنچه از این تئوری برمی‌آید، از یک‌سو، ثروت خانواده امکان تأمین هزینه‌های مربوط به زمان کافی برای جست‌وجوی همسر مناسب را به دختران می‌دهد و از سوی دیگر، توانایی اداره مستقلانه زندگی دختر بدون داشتن همسر را فراهم می‌آورد و به‌طور معمول، از آن به‌منزله یکی از عوامل گرایش نداشتن به ازدواج و تأخیر در سن ازدواج یاد می‌شود (ضرابی و مصطفوی، ۱۳۹۰: ۴۰). بنابراین، گاهی نیز داشتن توان اقتصادی و داشتن شغل، مخصوصاً در صورتی که دختران شاغل باشند، مانع ازدواج می‌شود و بسیاری از دختران شاغل رغبت خود را به ازدواج از دست می‌دهند (رجبی، ۱۳۸۶: ۱۴۶، ۱۴۷). در این زمینه، بهنام می‌نویسد:

در گذشته یکی از عوامل روی آوردن زنان به ازدواج محرومیت آن‌ها از استقلال اجتماعی و اقتصادی بود. زن در زندگی زناشویی نه فقط به دنبال احترام و اعتبار اجتماعی و اقتصادی بوده است، بلکه گاهی نیز وسایل تأمین زندگی مادی زنان جز در خانه شوهر فراهم نمی‌آمده است (بهنام، ۱۳۴۸: ۱۵۷).

رویکرد فمینیستی - مارکسیستی در تحلیل شرایط اقتصادی بر قدرت مردان و زنان در پیوند ازدواج تأکید می‌ورزد و ازدواج را در چهارچوب نظریه بازی‌ها بررسی می‌کند (Pollak, 2005; Lundberg and Pollak, 1993) به نقل از ضرابی و مصطفوی، ۱۳۹۰: ۴۰). از این منظر، به تدریج با ایجاد شدن فرصت‌های شغلی بهتر و بیشتر برای زنان و استقلال اقتصادی آنان و نیز قوانین و برنامه‌های حمایتی از زنان، مادران، و فرزندانشان قدرت چانه‌زنی (bargaining) در ازدواج و قدرت انتخاب تجرد در آنان افزایش یافته است. این در وضعیتی شدت می‌پذیرد که زنان به لحاظ اقتصادی از مردان مستقل شده باشند و سرسختی و سازش‌ناپذیری مردسالارانه هم‌چنان در تضادهای خانوادگی وجود داشته باشد (McCrate, 1987).

هم‌چنین، مردم در انتخاب‌های خود منطقی عمل می‌کنند و درصدد به حداکثر رساندن سود خود در انتخاب و در برقراری رابطه با دیگران‌اند. بارتز و نای (Bartz and Nye, 1970) با کاربرد نظریه مبادله درباره ازدواج دو دسته از علل تعیین‌کننده ازدواج را مشخص کرده‌اند. دسته اول آن‌هایی که موجب می‌شوند ازدواج برای فرد رضایت بیشتری را در مقایسه با مجردماندن تأمین کند و دسته دوم مواردی که موجب می‌شوند ازدواج در میان بسیاری از جانشین‌های نامطلوب برای فرد کم‌تر نامطلوب باشد. آن‌ها با بررسی ۲۳ قضیه درباره عوامل اقتصادی و اجتماعی مرتبط با ازدواج یک قضیه نظری عام را مطرح کرده‌اند؛ به این صورت که هر چه تفاوت مثبت بین رضایت مورد انتظار از ازدواج و رضایت دریافت‌شده از موقعیت کنونی فرد بیش‌تر باشد، احتمال ازدواج زود هنگام بیش‌تر خواهد بود (کنعانی، ۱۳۸۵: ۱۰۸ به نقل از کاظمی‌پور، ۱۳۸۸: ۸۲).

براساس این نظریه، یکی از عواملی که باعث نگرش منفی به ازدواج می‌شود احتیاط بیش از حد و وسواس‌گونه دختر و پسر (یا خانواده آن‌ها) درباره همسر آینده است. افرادی که بیش از حد در این زمینه وسواس به خرج می‌دهند نمی‌توانند درباره ازدواج و انتخاب همسر آینده خود تصمیم بگیرند (شجاعی، ۱۳۸۴: ۴۹).

بی‌تردید تجربه جوان از زندگی والدین و روابط زناشویی اقوام و اطرافیان در نگرش او به مسئله ازدواج مؤثر است و هرگونه بدبینی در اقدام جوان به ازدواج تأثیر خواهد داشت.

مشاهده خانواده‌هایی که در زندگی زناشویی موفقیت نداشته‌اند و پیوسته در مشاجره‌ها و اختلاف‌ها گرفتار بوده‌اند تهدیدی جدی برای جوانان محسوب می‌شود. آن‌ها مایل نیستند فراغت‌خاطر و آسایش خود را از دست بدهند. این دسته از جوانان ناملاپت‌های مجرد را بر گرفتاری‌ها و مشاجره‌های خانواده‌های متأهل ترجیح می‌دهند. بنابراین، تجارب تلخ از زندگی ناموفق والدین یا اطرافیان موجب روگردانی جوان از امر ازدواج می‌شود (غیبی، ۱۳۸۸).

بالارفتن میزان جرایم و آسیب‌های اجتماعی و خانوادگی مانند اعتیاد، بی‌بندوباری، همسرآزاری، طلاق، روابط سرد همسران، و دخالت اطرافیان نه تنها موجب ازهم‌پاشیدگی خانواده‌ها شده است، بلکه موجب سلب اعتماد جوانان از ازدواج نیز شده است. درواقع، سبب شده است جوان امروز به ازدواج به منزله عامل خوشبختی نگاه نکند و سرنوشت خود را به کسانی که در دام این آسیب‌ها گرفتار شده‌اند تشبیه کند. وقتی جوان به اطراف خود می‌نگرد و ازدواج‌هایی را می‌یابد که پس از مدت کوتاهی دچار بحران می‌شود و هریک از پسر و دختر اظهار پشیمانی می‌کنند که چرا زود خود را در این دام انداختند، انگیزه خود را از دست می‌دهد و اجازه نمی‌دهد آزادی او برای این سنت اجتماعی به خطر افتد. به‌خصوص در مواردی که افرادی که در ازدواج‌شان شکست خورده‌اند در برابر دوستان مجرد خود احساس مسئولیت می‌کنند و سعی می‌کنند آن‌ها را از دچار شدن به سرنوشت خود بازدارند. در این وضعیت، طبیعی است که برخی دختران و پسران جوان تحت تأثیر قرار گیرند و به ازدواج بدبین شوند (رجبی، ۱۳۸۶: ۴۱).

موقعیت درآمدی مردان جوان نیز، خصوصاً در جوامعی که نقش اقتصادی شوهر به منزله نان‌آور خانواده هم‌چنان مهم باشد، و زمانی که طول می‌کشد تا مردان به شغلی پایدار برسند، در تصمیم به ازدواج مردان و به تبع آن در سن ازدواج مردان و زنان تأثیرگذار است. مردان جوان تمایل دارند ازدواجشان را تا یافتن شغلی مناسب برای کسب توانایی اداره هزینه‌های ازدواج به تأخیر اندازند (Oppenheimer, 1988).

پارسونز در قالب نظریه کارکردگرایی، درباره فرایند هسته‌ای شدن خانواده، اهمیت شغل را بیان می‌کند و براساس متغیرهای الگویی خویش آن را ناشی از ماهیت نظام تقسیم کار در جوامع صنعتی جدید می‌داند. به نظر وی، یکی از آثار پیچیدگی نظام تقسیم کار این است که از شغل رکنی اصلی در پایگاه اجتماعی می‌سازد. از طرف دیگر، پایگاه شغلی فرد عموماً حاصل فرایند طولانی سرمایه‌گذاری و آموزش است. به این ترتیب، جوانان غالباً زمانی ازدواج می‌کنند که یقین داشته باشند طبق آداب و رسوم طبقه اجتماعی خود از عهده تأمین معاش خانواده برمی‌آیند و چون افراد نمی‌توانند تا سنین معینی درآمد کافی داشته باشند،

نوع شغل اهمیت پیدا می‌کند (بهنام، ۱۳۴۸: ۲۲۱). در واقع، در جامعه کنونی به‌علت تعارض‌های ساختاری در سیستم اجتماعی - فرهنگی و به بیان دیگر، تعارض در ارزش‌ها از یک‌سو و تعارض در اهداف و وسایل از سوی دیگر، شرایط به گونه‌ای است که جوانان همه شغل‌ها را نمی‌پذیرند و یا نمی‌توانند بپذیرند و فقط تعداد معدودی شغل است که همه طالب آن‌هایند. هم‌چنین، به‌علت نوع خاص وظایف و نقش‌های مردان در زندگی خانوادگی و این‌که وظیفه تأمین مخارج و هزینه زندگی بر عهده مردان است، نیافتن و یا نداشتن شغل مناسب برای پسران موجب تأخیر در بلوغ اقتصادی و در نتیجه تأخیر در سن ازدواج آنان و به تبع آن تأخیر در سن ازدواج دختران می‌شود.

مسئله انتخاب همسر به روش سنتی و از سوی پدر و مادر از جمله مشکلاتی است که جوانان در راه ازدواج خود از آن یاد می‌کنند. در گذشته خانواده‌ها فکر می‌کردند که جوانان برای همسرگزینی صلاحیت لازم را ندارند و بیش‌تر تابع احساسات‌اند و به همین سبب حق انتخاب همسر برای فرزندان‌شان را از آن خود می‌دانستند. اکنون عواملی متعدد از جمله رشد فکری و معنوی جوانان به آن‌ها استقلال فکری و قدرت تصمیم‌گیری داده است، به‌نحوی که تدریجاً امر همسرگزینی را، که زمانی بر عهده پدر و مادرشان بود، خود به عهده گرفته‌اند. برخی محققان برای تبیین تفاوت بین افراد در زمان تشکیل خانواده از مفهوم نوسازی (modernization) استفاده کرده‌اند (Malhotra and Tsui, 1996) به نقل از محمودیان، ۱۳۸۳: ۳۰). نظریه نوسازی بر این باور است که گذار جوامع از نظم سنتی به نظم مدرن باعث تغییراتی در سطوح مختلف کلان، میانی، و خرد و در بین تمامی گروه‌ها شده است و این تغییرات به‌خودی‌خود موجب دگرگونی در ارزش‌ها، انتظارات، خواسته‌ها، و ... خواهد شد (اینگلهارت، ۱۳۷۷: ۳۲۶).

این نکته را می‌توان بر مبنای نظریه نوسازی چنین تبیین کرد که در جریان نوسازی خانواده‌محوری به فردمحوری تبدیل می‌شود. فرایند نوسازی با ترجیح خانواده هسته‌ای، بهبود موقعیت زنان، گسترش تحصیلات عمومی، شهرنشینی، و ازدواج‌های با انتخاب آزاد تشکیل خانواده در سنین بالاتر را تشویق می‌کند.

در جریان نوسازی بسیاری از کارکردهای قدیمی خانواده به سازمان‌ها و نهادهای دیگر واگذار می‌شود. این تغییر کارکرد شبکه اجتماعی را جانشین شبکه خویشاوندی می‌کند و در نتیجه، خانواده به واحدی هسته‌ای، که بر فردگرایی استوار است، تبدیل می‌شود. فردگرایی بدین معنی است که بخش عمده‌ای از تصمیمات مربوط به زندگی اعضای خانواده، مانند تصمیم‌گیری درباره تشکیل خانواده و ازدواج، را خود افراد اتخاذ کنند. این فردگرایی، که

می‌تواند تسلط بیش‌تر فرد بر سرنوشت خود تلقی شود، فرایند تصمیم‌گیری و عملی‌شدن آن را، در مقایسه با زمانی که از سوی خانواده انجام می‌شد، متحول می‌کند. از این رو، شروع نوسازی با تأخیر در تحقق تصمیمات فردی هماهنگ است (محمودیان، ۱۳۸۳: ۳۰).

از سوی دیگر، نوسازی با ایجاد انتظاراتی در استاندارد زندگی برای بعد از ازدواج باعث تردید در ازدواج و در نتیجه تأخیر در سن ازدواج می‌شود (حبیب‌پور گتایی و غفاری، ۱۳۹۰: ۲۷). درواقع، توسعه اقتصادی جامعه عاملی است که باعث می‌شود توقع‌های جوانان سیر صعودی بی‌ماید و در سن ازدواج آنان اثر بگذارد. توقع‌های بالا و یا احياناً بی‌جا و نادرست از قبیل این‌که همسر آینده باید دارای خانه شخصی، اتومبیل، وسایل رفاهی، و غیره باشد یا صاحب فلان پست و عنوان، تحصیلات عالی، و یا فلان قیافه باشد موجب کاهش ازدواج به‌موقع جوانان می‌شود. این توقع‌ها که از طرف جوانان یا خانواده‌ها اعمال می‌شود در صورتی که در سطح معمول و منطبق با واقعیت‌ها نباشد، می‌تواند اسباب تأخیر در سن ازدواج جوانان را فراهم آورد.

در مجموع، به‌علت خصلت چندبعدی پدیده‌های اجتماعی و انسانی و تکثر نظریه‌ها درخصوص زوایای گوناگون ازدواج، در این تحقیق سعی می‌کنیم، از طریق گزینش تلفیقی بهینه از نظریه‌های مرتبط و مقتضی، به شناخت و تبیین بهتری از نگرش منفی به ازدواج و دلایل افزایش سن ازدواج دست یابیم. درواقع، پس از بررسی دیدگاه‌ها و نظریات محققان درباره علل و عوامل مؤثر در افزایش سن ازدواج و تغییر معیارهای انتخاب همسر و مسائل و مشکلات مرتبط با ازدواج جوانان، چهارچوب نظری مورد استفاده در این مطالعه را به شرح ذیل بررسی می‌کنیم:

نظریه نوسازی تحولات ازدواج و مسائل و مشکلات ناشی از آن را به تغییرات ساختاری در جامعه به‌علت ظهور نیروهای جدید اجتماعی، یعنی سه جریان صنعتی‌شدن، شهرنشینی، و آموزش همگانی مرتبط می‌داند (کاظمی‌پور، ۱۳۸۸: ۸۳). براساس این نظریه، در این مطالعه نقش عوامل تغییر الگوی ازدواج، افزایش تحصیلات، خانواده، افزایش توقع‌ها، و تضعیف باورهای دینی در نگرش به ازدواج بررسی شده‌اند.

هم‌چنین، بر اساس نظریه مبادله، ازدواج پدیده‌ای است که در قالب مبادله‌ای اجتماعی انجام می‌شود و عناصر مربوط به مبادله، یعنی داده و ستانده، در معیارهای انتخاب همسر تأثیر می‌گذارند. جوانان برای کسب موقعیت‌های اجتماعی بالاتر سعی می‌کنند ازدواج خود را به تأخیر بیندازند. طبق نظریه مبادله، تصمیم‌گیری برای ازدواج نوعی تصمیم به سرمایه‌گذاری است و شخص ارزیابی عقلانی از هزینه‌ها و منافع حاصل از ازدواج را در

نظر می‌گیرد (همان: ۸۴). براساس این نظریه، نقش عوامل تردید در انتخاب همسر، ترس از آینده، افزایش انحراف‌ها، و اختلاف بین والدین بررسی شده‌اند. علاوه بر این، براساس نظریه اقتصادی، تأثیر عوامل وضعیت اقتصادی، سنگینی مخارج ازدواج، مشکلات مسکن، و سنت‌های ازدواج در نگرش به ازدواج بررسی شده‌اند. با توجه به مباحث فوق، فرضیه‌های تحقیق به شرح ذیل تدوین می‌شوند:

- بین تغییرات ساختاری در جامعه (تغییر الگوی ازدواج، افزایش تحصیلات، خانواده، افزایش توقعات، و تضعیف باورهای دینی) و نگرش منفی به ازدواج رابطه وجود دارد.
- بین ارزیابی عقلانی از هزینه‌ها و منافع حاصل از ازدواج (تردید در انتخاب همسر، ترس از آینده، افزایش انحراف‌ها، و اختلاف بین والدین) و نگرش منفی به ازدواج رابطه وجود دارد.
- بین عوامل اقتصادی (وضعیت اقتصادی، سنگینی مخارج ازدواج، مشکلات مسکن، و سنت‌های ازدواج) و نگرش منفی به ازدواج رابطه وجود دارد.

۳. روش تحقیق

این مطالعه از نوع پیمایش اجتماعی (social survey) است و اطلاعات تحقیق با استفاده از روش پرسش‌نامه، توأم با مصاحبه، جمع‌آوری شده است. در این پژوهش، برای سنجش هریک از متغیرهای اصلی پژوهش از گویه‌های مربوط در قالب طیف لیکرت استفاده شده است. پس از جمع‌آوری داده‌های تحقیق، با استفاده از برنامه کامپیوتری spss و محاسبه‌های آماری مربوطه، یافته‌های تحقیق تجزیه و تحلیل شده‌اند.

۴. جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری پژوهش شامل جمعیت فعال (۱۵-۶۵ سال) شهرستان کاشان در سال ۱۳۹۱ است. با بهره‌گیری از فرمول نمونه‌گیری کوکران تعداد ۶۲۰ نفر به‌منزله حجم نمونه تعیین و با استفاده از روش تصادفی افراد مورد مطالعه انتخاب شدند.

۵. یافته‌های پژوهش

در این بخش، نخست متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق توصیف و پس از آن رابطه بین متغیرهای تحقیق تجزیه و تحلیل شده است.

۱.۵ مشخصات فردی

براساس یافته‌های تحقیق، ۳۷/۶ درصد از پاسخ‌گویان را مردان و ۶۲/۴ درصد را زنان تشکیل می‌دهند و بیش‌ترین میزان تحصیلات مربوط به تحصیلات در حد فوق‌دیپلم و لیسانس بوده است (۳۶ درصد)، سطح تحصیلات ۳۹/۲ درصد دیپلم، ۱۷/۹ درصد زیر دیپلم، و ۳/۹ درصد فوق‌لیسانس و دکتری است. بررسی وضع پاسخ‌گویان به‌لحاظ وضعیت اشتغال نشان می‌دهد ۴۷/۷ درصد از پاسخ‌گویان غیرشاغل و ۳۸/۲ درصد شاغل‌اند.

۲.۵ عوامل مؤثر در نگرش منفی به ازدواج و تأخیر سن ازدواج

در این مطالعه، در مجموع، ۸۴ عامل مؤثر در نگرش به ازدواج و تأخیر در سن ازدواج بررسی شده است. همه عوامل در ۱۵ عامل جمع شده و براساس آن نقش هریک از متغیرهای پانزده‌گانه فوق و میزان تأثیر هر گویه از متغیرها در تأخیر سن ازدواج از دیدگاه پاسخ‌گویان بررسی شده است. در جدول ۱ میانگین هر گویه در هریک از عوامل فوق نشان داده شده است.

جدول ۱. مقایسه میانگین ($1 \leq \bar{x} \leq 3$) عوامل مؤثر در نگرش منفی به ازدواج و تأخیر سن ازدواج

ردیف	گویه‌ها	میانگین	گویه‌ها	میانگین
			نپذیرفتن ملاک‌های انتخاب همسر فرد از سوی والدین	۱/۹۷
۲/۴۶	گسترش فساد اخلاقی	۱/۹۱	تحمیل نظر والدین برای انتخاب همسر	۱/۹۱
۲/۳۵	گرایش پسرها به اعتیاد	۱/۹۳	طرح ازدواج‌های ناموفق از طرف خانواده	۱/۹۳
۲/۵۰	بی‌اعتنایی به تعهدات زندگی زناشویی	۱/۹۹	نداشتن مهارت لازم و کافی خانواده	۱/۹۹
۲/۳۶	الگوبرداری جوانان از فرهنگ غرب	۲/۰۵	مانع‌تراشی والدین بر سر راه ازدواج فرزندان	۲/۰۵
۲/۵۵	رواج دوستی‌های خیابانی	۲/۲۲	ناآگاهی والدین از ضرورت ازدواج به‌موقع فرزندان	۲/۲۲
۲/۳۷	بی‌اعتمادی به جنس مخالف	۲/۲۹	سخت‌گیری‌های بی‌مورد خانواده	۲/۲۹
۲/۲۶	ترس از خیانت همسر	۲/۰۴	حمایت‌نکردن والدین در ازدواج	۲/۰۴
۲/۲۳	افزایش طلاق در جامعه	۱/۸۰	انتخاب همسر به‌صورت سستی و از سوی والدین	۱/۸۰
۱/۸۳	ترس از همسرآزاری	۲/۲۹	تأکید خانواده بر وضعیت اقتصادی همسر	۲/۲۹
۲/۲۵	تنوع‌طلبی جوانان	۲/۲۰	تأکید خانواده به ادامه تحصیل فرزند به‌ویژه فرزند دختر	۲/۲۰
۲/۳۱	مسئولیت‌گریزی	۲/۲۹	اعتقاد به ازدواج فرزندان به ترتیب سن	۲/۲۹
			سخت‌گیری درباره گذرانیدن نظام‌وظیفه برای پسر	۲/۱۲

۸۰ بررسی نقش عوامل اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی مؤثر در ...

۲/۳۶	سختی پیدا کردن فرد مطمئن برای ازدواج	تردید در انتخاب همسر	۲/۲۹	تأکید خانواده بر وضعیت اقتصادی همسر	وضعیت اقتصادی
۲/۲۳	نیافتن همسر ایده‌آل		۲/۲۳	فقر خانوادگی	
۲/۲۴	تردید در انتخاب همسر		۲/۴۶	نداشتن درآمد کافی	
۲/۲۳	وسواس بیش از حد در انتخاب همسر		۲/۵۹	نگرانی از تأمین معاش و هزینه‌های زندگی	
۲/۱۳	ترس از ناسازگاری	ترس از آینده	۲/۵۸	تحصیلات بالاتر، افزایش توقعات	افزایش توقعها
۲/۳۱	ترس از موفق نبودن در ازدواج		۲/۶۱	افزایش سطح انتظارات جوانان	
۲/۲۳	ترس از نداشتن تفاهم اخلاقی با همسر		۲/۶۰	افزایش توقعات دختران و حساسیت درباره همسر	
۲/۰۷	ترس از تشکیل خانواده		۲/۴۶	توقعات جسمانی (تیپ و قیافه طرف)	
۲/۰۶	تردید درباره آینده	۲/۵۳	بالارفتن توقعات و رد کردن خواستگاران		
۲/۴۹	هزینه‌های سنگین عقد و عروسی	سنگین مخارج ازدواج	۲/۶۹	بی‌کاری و اشتغال نداشتن	بی‌کاری
۲/۵۳	گرفتن مهریه سنگین از طرف دختر		۲/۵۳	نداشتن شغل مناسب	
۲/۴۸	هزینه‌های مربوط به تهیه جهیزیه		۲/۵۸	درآمد ناکافی؛ نبود تضمین برای زندگی آینده	
۲/۰۹	تجارب تلخ زندگی والدین	انتقادات والدین	۲/۴۲	نداشتن مسکن	مشکلات مسکن
۱/۸۳	مشاجره‌ها و اختلاف‌های والدین		۲/۵۵	گرانی مسکن و اجاره‌بها	
۲/۰۹	دگرگونی در الگوی ازدواج	تغییر الگوی ازدواج	۱/۸۰	انتخاب همسر به صورت سنتی و از سوی والدین	سنت‌های ازدواج
۲/۱۳	اعتقاد به داشتن زندگی آزاد		۲/۲۹	اعتقاد به ازدواج فرزندان به ترتیب سن	
۲/۱۵	تغییر اهداف ازدواج		۱/۹۲	کاهش نقش خانواده در ازدواج فرزندان	
۲/۰۸	انتخاب آزادانه همسر		۲/۲۲	تزلزل ارزش‌های سنتی و فرهنگی	
۲/۰۰	طولانی شدن فرایند ازدواج				
۲/۲۰	تأکید خانواده به ادامه تحصیل فرزند	افزایش تحصیلات	۲/۴۸	کم‌رنگ شدن ارزش‌های معنوی	بازرهای دینی
۲/۱۷	گسترش تحصیلات عمومی		۲/۴۴	کاهش اعتقادات دینی	
۲/۳۹	گرایش به تحصیلات عالی		۲/۵۰	کم شدن توکل به خداوند	
۲/۴۴	طولانی شدن دوره تحصیلات		۱/۹۶	ارائه نکردن معیارهای مناسب ازدواج از طرف رسانه‌ها	کارکردها رسانه‌ها
۲/۶۰	افزایش تحصیلات دختران		۱/۹۴	ارائه نکردن برنامه توجیهی ازدواج مناسب در رسانه‌ها	
۲/۱۱	تحصیل در خارج از محل سکونت	۲/۱۱	ارائه تصویر منفی از ازدواج در فیلم‌ها		

همان گونه که میانگین‌های مربوط نشان می‌دهد عامل بی‌کاری و نداشتن اشتغال از میان ۸۴ عامل بررسی شده بیش‌ترین تأثیر را در نگرش منفی به ازدواج و در نتیجه افزایش سن ازدواج در جامعه داشته است. پس از آن، عوامل افزایش توقعات و سطح انتظارات جوانان، به‌ویژه افزایش توقعات دختران، افزایش سطح تحصیلات دختران و افزایش توقعات ناشی از آن، نداشتن اشتغال و درآمد کافی، نگرانی از تأمین معاش و هزینه‌های زندگی، و به‌نوعی نداشتن تضمین برای زندگی آینده نقشی اساسی در این نوع نگرش ایفا می‌کنند.

براساس نتایج پژوهش، از جمله عوامل مؤثر در افزایش سن ازدواج شیوع بی‌بندوباری و بی‌اعتنایی به تعهدات زندگی زناشویی، گسترش فساد اخلاقی، کاهش میزان دین‌داری، و کم‌رنگ‌شدن ارزش‌های معنوی و توکل به خداوند متعال در بین جوانان است. علاوه بر آن، مسئولیت‌گریزی، ترس از آینده، ترس از موفق‌نبودن در ازدواج، بی‌اعتنایی به جنس مخالف، و سختی پیدا کردن فرد مطمئن برای ازدواج، با توجه به رواج دوستی‌های خیابانی دختر و پسر، از موانع عمده ازدواج جوانان محسوب می‌شوند.

از عوامل دیگری که در تأخیر سن ازدواج جوانان نقش مهمی ایفا می‌کند برخی از سنت‌های خاص خانوادگی مانند اعتقاد به ازدواج فرزندان به ترتیب سن، تأکید خانواده دختر بر گذراندن دوره نظام وظیفه خواستگار، سخت‌گیری‌های بی‌مورد خانواده، تحمیل دیدگاه‌های والدین برای انتخاب فرزندان، و نیز به‌رخ‌کشیدن ازدواج‌های ناموفق از طرف خانواده است. در این باره، حمایت‌نکردن والدین در امر ازدواج، نداشتن مهارت لازم و کافی خانواده، و نیز کاهش نقش خانواده در ازدواج فرزندان از عوامل اساسی تأخیر سن ازدواج به‌شمار می‌آیند.

با توجه به اهمیت نقش خانواده در ازدواج فرزندان، علاوه بر تأثیرات فوق، تأکید خانواده‌ها به ادامه تحصیل فرزند، ناآگاهی والدین از ضرورت ازدواج به‌موقع فرزندان، تأکید خانواده بر وضعیت اقتصادی همسر، تجارب تلخ و سختی‌های زندگی والدین، و نپذیرفتن ملاک‌های انتخاب همسر از سوی والدین در ایجاد نگرش منفی به ازدواج در بین جوانان و تأخیر سن ازدواج مؤثر است. علاوه بر موارد فوق، نتایج پژوهش بیانگر این امر است که عوامل روانی و اجتماعی خاص مانند تنوع‌طلبی جوانان، ترس از خیانت همسر، تردید در انتخاب همسر، نیافتن همسر ایده‌آل، وسواس بیش از حد در انتخاب همسر، ترس از نداشتن تفاهم اخلاقی با همسر، و ترس از ناسازگاری در ایجاد نگرش منفی به ازدواج و نیز تأخیر سن ازدواج مؤثرند.

از سوی دیگر، رسانه‌های گروهی در نگرش شهروندان به ازدواج مؤثرند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد نبود آگاهی بخشی ازدواج مناسب در رسانه‌ها و ارائه نکردن معیارهای مناسب ازدواج از طرف رسانه‌ها به منزله یکی از عوامل مؤثر در تأخیر سن ازدواج جوانان است. با توجه به مجموع شاخص‌های فوق، جدول توزیع پراکندگی ارزیابی پاسخ‌گویان از تأثیر هریک از عوامل پانزده‌گانه فوق در نگرش منفی به ازدواج در ذیل ارائه شده است.

جدول ۲. توزیع پراکندگی و آماره‌های قابل مقایسه ارزیابی پاسخ‌گویان از تأثیر عوامل مؤثر در نگرش منفی به ازدواج

پهنای	حدافل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار	پهنای	حدافل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
خانواده	۱۳	۳۹	۲۶/۹۳	۴/۸۸	افزایش توقعات	۲	۱۵	۱۲/۳۸	۲/۲۷
وضعیت اقتصادی	۴	۱۲	۹/۵۱	۱/۸۲	افزایش تحصیلات	۶	۱۸	۱۶/۳۹	۳/۰۹
تردید در انتخاب همسر	۲	۱۲	۹/۰۰۳	۲/۰۲	سنت‌های ازدواج	۴	۱۲	۸/۱۸	۱/۷۷
بی‌کاری	۲	۹	۷/۷۴	۱/۴۶	ترس از آینده	۴	۲۷	۱۰/۷۹	۲/۷۵
تغییر الگوی ازدواج	۴	۱۵	۱۰/۳۴	۲/۳۰	کارکرد رسانه‌ها	۲	۹	۵/۹۸	۱/۷۹
سنگینی مخارج ازدواج	۳	۹	۷/۴۹	۱/۶۸	تضعیف باورهای دینی	۳	۹	۷/۳۸	۱/۸۴
افزایش انحراف‌ها	۳	۳۶	۲۷/۶۵	۵/۳۸	اختلاف‌های والدین	۱	۶	۳/۸۶	۱/۲۹
مشکلات مسکن	۲	۶	۴/۹۶	۱/۲۰					

۳.۵ نگرش به ازدواج

در این جا نگرش افراد به ازدواج به منزله متغیر وابسته تحقیق با استفاده از هشت گویه در قالب طیف لیکرت بررسی شده است. در جدول زیر پاسخ‌های پاسخ‌گویان به هریک از گویه‌های طیف ارائه شده است.

جدول ۳. توزیع فراوانی و درصدی پاسخ پاسخ‌گویان به گویه‌های نگرش به ازدواج

گویه‌ها	کاملاً مخالف	مخالف	تاحدودی	موافق	کاملاً موافق
ازدواج هم مانند سایر مراحل زندگی است و فرقی با آن ندارد.	۳۴/۷	۲۹/۳	۱۷/۳	۱۱/۰	۷/۶
بالاخره باید یک روزی ازدواج کرد.	۵/۵	۸/۹	۱۴/۹	۳۵/۳	۳۵/۴
آدم تا موقعی که عاشق طرف مقابل خود نشده نباید با او ازدواج کند.	۱۲/۰	۲۸/۵	۲۳/۲	۱۶/۴	۱۹/۹
باید کسی را برای ازدواج انتخاب کرد که بتوان با او به کمال رسید.	۲/۵	۱/۱	۸/۴	۳۳/۷	۵۴/۴
ازدواج موضوع مهمی است و نباید آن را دست‌کم گرفت.	۲/۳	۲/۴	۴/۹	۲۰/۳	۷۰/۱
با ازدواج کردن، بسیاری از فرصت‌هایی که می‌توان به‌دست آورد از دست می‌رود.	۲۹/۷	۳۲/۶	۲۴/۸	۸/۳	۴/۷
کاش آدم می‌توانست تا آخر عمر ازدواج نکند و مجرد بماند.	۵۰/۲	۳۲/۸	۱۱/۱	۲/۷	۳/۱
ازدواج بیش‌تر به ضرر آدم تمام می‌شود تا سود او.	۴۷/۱	۳۶/۱	۱۰/۲	۲/۸	۳/۹

با توجه به مجموع شاخص‌های فوق، جدول توزیع پراکندگی نگرش منفی پاسخ‌گویان به ازدواج در ذیل ارائه شده است.

جدول ۴. توزیع پراکندگی و آماره‌های قابل مقایسه نگرش منفی پاسخ‌گویان به ازدواج

متغیر	حداقل	حداکثر	دامنه	میانگین	انحراف معیار
نگرش منفی به ازدواج	۹	۳۱	۲۲	۱۷/۷۱	۳/۸۳

با توجه به جدول فوق، کرانه بالایی نمرات ۳۱، کرانه پایینی نمرات ۹، و دامنه تغییر نمرات در جامعه آماری مورد بررسی ۲۲ بوده است، میانگین نمره پاسخ‌گویان برابر با ۱۷/۷۱، و انحراف معیار آن ۳/۸۳ است. با تقسیم دامنه تغییر به عدد ۳ با فواصل مساوی جدول توزیع فراوانی زیر به‌دست آمده است.

جدول ۵. توزیع فراوانی و درصدی میزان نگرش منفی پاسخ‌گویان به ازدواج

موارد	فراوانی	درصد
کم	۱۹۰	۳۰/۶
متوسط	۲۹۵	۴۷/۶
زیاد	۱۳۵	۲۱/۸
جمع	۶۲۰	۱۰۰/۰

بر اساس یافته‌های جدول فوق، میزان نگرش منفی ۳۰/۶ درصد از پاسخ‌گویان به ازدواج در حد کم، ۴۷/۶ درصد متوسط، و ۲۱/۸ درصد در حد زیاد است.

۴.۵ تحلیل یافته‌ها

در این بخش، با استفاده از ضریب هم‌بستگی پیرسون و رگرسیون تک‌متغیره، رابطه بین متغیرهای تحقیق تحلیل شده است.

۱.۴.۵ تجزیه و تحلیل دو متغیره

در این مطالعه رابطه بین متغیرهای مستقل تحقیق شامل نقش خانواده و طرز تلقی والدین از ازدواج فرزندان، وضعیت اقتصادی نامناسب خانواده، افزایش توقعات جوانان و خانواده‌ها، بی‌کاری و نبود اشتغال، مشکل مسکن و افزایش اجاره‌بها، سنگینی مخارج ازدواج، گسترش انحراف‌ها، تردید در انتخاب همسر، ترس از آینده، گسترش تحصیلات و آموزش عالی، سنت‌های مربوط به ازدواج، تغییر الگوهای ازدواج، نقش رسانه‌های گروهی، کاهش باورهای دینی، و اختلاف‌های والدین با نگرش منفی به ازدواج، به منزله متغیر وابسته تحقیق، بررسی شده است.

جدول ۶. رابطه بین متغیرهای مستقل تحقیق و نگرش منفی پاسخ‌گویان به ازدواج

متغیرهای مستقل	خانواده	وضعیت اقتصادی	افزایش توقعات	بی‌کاری	وضعیت مسکن
r	۰/۱۸۲	۰/۲۸۲	۰/۲۰۹	۰/۲۰۰	۰/۰۰۷
Sig	۰/۰۴۲	۰/۰۲۸	۰/۰۰۱	۰/۰۱۳	۰/۸۶۹
متغیرهای مستقل	سنگینی مخارج ازدواج	انحراف‌های اجتماعی	کارکرد نامناسب رسانه‌ها	تردید در انتخاب همسر	افزایش تحصیلات
r	۰/۲۳۰	۰/۱۵۵	-۰/۱۹۷	۰/۰۴۴	۰/۰۵۷
Sig	۰/۰۰۰	۰/۰۵۰	۰/۰۱۶	۰/۰۸۰	۰/۰۶۰
متغیرهای مستقل	تغییر الگوهای ازدواج	ترس از آینده	تضعیف باورهای دینی	اختلاف‌های والدین	سنت‌های ازدواج
r	۰/۰۶۶	۰/۱۵۱	۰/۲۵۷	۰/۱۴۴	۰/۰۲۱
Sig	۰/۱۰۴	۰/۰۱۰	۰/۰۰۰	۰/۲۲۷	۰/۵۹۸

نگرش منفی به ازدواج

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد بین متغیرهای خانواده، وضعیت اقتصادی، افزایش توقع‌ها، بی‌کاری، سنگینی مخارج ازدواج، انحراف‌های اجتماعی و اخلاقی، کارکرد

نامناسب رسانه‌ها، ترس از آینده، و تضعیف باورهای دینی با متغیر نگرش منفی به ازدواج رابطه معناداری وجود دارد. نتایج فعالیت آماری درباره رابطه بین هریک از متغیرهای مستقل و نگرش منفی به ازدواج با استفاده از ضریب هم‌بستگی پیرسون، به‌جز درباره کارکرد نامناسب رسانه‌ها، هم‌بستگی مثبت و معناداری را در سطح اطمینان ۹۵ و ۹۹ درصد تأیید کرده است.

۲.۴.۵ رگرسیون یک‌متغیری

در رگرسیون یک‌متغیری یک متغیر وابسته از طریق یک متغیر مستقل پیش‌بینی می‌شود. به‌لحاظ آماری، عمل پیش‌بینی وقتی امکان‌پذیر است که از طریق مطالعه مقدماتی وجود هم‌بستگی بین متغیرهای X و Y معین شده باشد. هر چه هم‌بستگی قوی‌تر باشد، پیش‌بینی نیز دقیق‌تر است (زارع و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۷۰).

جدول ۷. نتایج رگرسیون عوامل مؤثر در نگرش منفی به ازدواج

متغیر پیش‌بینی‌کننده	شاخص‌ها متغیر ملاک	R	R ²	B	Beta	F	t	sig
خانواده	رگرسیون منفی به ازدواج	۰/۰۸۲	۰/۰۰۷	۰/۰۶۴	۰/۰۸۲	۴/۱۵۸	۲/۰۳۹	۰/۰۴۲
وضعیت اقتصادی		۰/۰۸۸	۰/۰۰۸	۰/۱۸۶	۰/۰۸۸	۴/۸۵۱	۲/۲۰۳	۰/۰۲۸
افزایش توقعات		۰/۱۰۹	۰/۰۱۲	۰/۱۸۴	۰/۱۰۹	۷/۳۴۵	۲/۷۱۰	۰/۰۰۷
بی‌کاری		۰/۱۰۰	۰/۰۱۰	۰/۲۶۱	۰/۱۰۰	۶/۱۷۴	۲/۴۸۵	۰/۰۱۳
مشکلات مسکن		۰/۰۰۷	۰/۰۰۰	۰/۰۲۲	۰/۰۰۷	۰/۰۲۷	۰/۱۶۶	۰/۸۶۹
سنگینی مخارج ازدواج		۰/۱۳۰	۰/۰۱۷	۰/۲۹۸	۰/۱۳۰	۱۰/۴۹۳	۳/۲۳۹	۰/۰۰۱
افزایش انحراف‌ها		۰/۰۵۵	۰/۰۰۳	۰/۰۳۹	۰/۰۵۵	۱/۹۰۵	۱/۳۸۰	۰/۱۶۸
ترس از آینده		۰/۰۵۱	۰/۰۰۳	۰/۰۷۲	۰/۰۵۱	۱/۵۷۲	۱/۲۵۴	۰/۲۱۰
تردید در انتخاب همسر		۰/۰۴۴	۰/۰۰۲	۰/۰۸۳	۰/۰۴۴	۱/۱۷۰	۱/۰۸۱	۰/۲۸۰
افزایش تحصیلات		۰/۰۵۷	۰/۰۰۳	۰/۰۷۰	۰/۰۵۷	۱/۹۸۲	۱/۴۰۸	۰/۱۶۰

۰/۵۹۸	۰/۵۲۷	۰/۲۷۸	۰/۰۲۱	۰/۰۴۶	۰/۰۰۰	۰/۰۲۱	سنت‌های ازدواج
۰/۱۰۴	۱/۶۲۹	۲/۶۵۵	۰/۰۶۶	۰/۱۱۰	۰/۰۰۴	۰/۰۶۶	تغییر الگوی ازدواج
۰/۰۱۶	۲/۴۰۸	۵/۸۰۰	۰/۰۹۷	۰/۲۰۷	۰/۰۰۹	۰/۰۹۷	کارکرد نامناسب رسانه‌ها
۰/۰۰۰	۳/۹۴۷	۱۵/۵۷۸	۰/۱۵۷	۰/۳۲۸	۰/۰۲۵	۰/۱۵۷	تضعیف باورهای دینی
۰/۷۲۷	۰/۳۴۹	۰/۱۲۲	۰/۰۱۴	۰/۰۴۲	۰/۰۰۰	۰/۰۱۴	اختلاف‌های والدین

بر اساس جدول فوق، مقدار آماره F محاسبه شده برای هر یک از عوامل خانواده (۴/۱۵)، وضعیت اقتصادی (۴/۸۵)، افزایش توقعات (۷/۳۴)، بی‌کاری (۶/۱۷)، سنگینی مخارج ازدواج (۱۰/۴۹)، کارکرد نامناسب رسانه‌ها (۵/۸۰۰)، و تضعیف باورهای دینی (۱۵/۵۷) در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار بوده است. بنابراین، عوامل مذکور در پیش‌بینی نگرش منفی به ازدواج مؤثرند. به گونه‌ای که عوامل تضعیف باورهای دینی قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده و بعد از آن عوامل سنگینی مخارج ازدواج، افزایش توقعات، و کارکرد نامناسب رسانه‌ها قرار دارند.

۶. نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث صاحب‌نظران و نتایج پژوهش‌های محققان، ازدواج‌نکردن به‌موقع و نامناسب جوانان بنیان نهاد خانواده را به سستی می‌کشد و انواع بحران‌ها و مفسد اخلاقی و اجتماعی را موجب می‌شود. این امر موجب خودکشی، فرار از خانه، خودفروشی در جوانان، و تزلزل در شخصیت و خانواده و اجتماع می‌شود. بر این مبنا، لازم است توجه و رسیدگی به امر ازدواج جوانان در صدر برنامه‌ریزی‌های اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی جامعه قرار گیرد.

از سوی دیگر، پیچیدگی بحث نیازهای جوانان و عوامل متعدد مؤثر در ازدواج به منزله بنیان شکل‌گیری نهاد خانواده در سطوح فردی، میانی، و اجتماعی، ایجاب می‌کند برای شناخت مهم‌ترین ابعاد و زوایای پدیده ازدواج پژوهش‌های متعددی در حوزه‌های

اجتماعی، روان‌شناختی، و دینی صورت گیرد تا با شناخت هر چه گسترده‌تر و عمیق‌تر آن بتوان راه‌کارهای عملیاتی مناسب و مؤثری در این زمینه شناسایی و اجرا کرد.

از دیدگاه پاسخ‌گویان، بحران‌های خانوادگی، مشاجره‌ها و اختلاف‌های والدین در زندگی، عوامل تحمیل ازدواج از طرف والدین، ارائه تصویر منفی از ازدواج، و طرح ازدواج‌های ناموفق از سوی آنان موجب هراس از ازدواج شده است. بخشی از آنان نیز بر این نظر تأکید کرده‌اند که والدین و خانواده‌ها تا حد زیادی مهارت‌های لازم و کافی در امر ازدواج جوانان را ندارند. درصد نسبتاً بالایی از پاسخ‌گویان معتقدند والدین از ضرورت ازدواج به‌موقع فرزندان خود آگاهی ندارند و علاوه بر این سخت‌گیری‌ها و حمایت‌نکردن والدین از فرزندان تا حد زیادی موجب گرایش نداشتن جوانان به ازدواج می‌شود. با توجه به موارد فوق و تأثیر به‌سزایی که خانواده می‌تواند در شکل‌گیری ازدواج مناسب فرزندان داشته باشد، کار و سرمایه‌گذاری در زمینه خانواده‌ها (رسانه‌ها، برنامه‌های مذهبی و تبلیغاتی، فعالیت‌های آموزش و پرورش و دانشگاه، و سازمان‌های منطقه‌ای و محلی چون شورای شهر و سازمان رفاهی و تفریحی شهرداری‌ها) از اهمیت اساسی برخوردار است. در این زمینه، باید شورایی مرکب از مسئولان نهادهای فوق و دیگر نهادهای مربوط تشکیل و برنامه‌ریزی‌های لازم در این باره انجام شود و به منظور تحقق برنامه‌های مربوط لازم است با تقسیم فعالیت میان نهادها، متولی پی‌گیری موارد نیز مشخص شود.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند تعداد بسیاری از پاسخ‌گویان بر این نکته تأکید داشته‌اند که رسانه‌های گروهی معیارهای مناسب ازدواج برای جوانان را ارائه و تبیین نکرده‌اند. به همین میزان، بر نبود آگاهی‌بخشی و ارائه برنامه‌های مناسب توجیهی ازدواج از سوی رسانه‌ها تأکید شده است. با وجود این امر، درصد بالایی از پاسخ‌گویان معتقدند ارائه تصویر منفی از ازدواج در فیلم‌های مربوط موجب بروز نگرش منفی به ازدواج در بین جوانان می‌شود.

علاوه بر این، براساس تجارب چند دهه اخیر، افزایش سطح تحصیلات، به‌ویژه تحصیلات دختران، با تأخیر سن ازدواج آنان همراه بوده است. بر این مبنای جوانان و خانواده‌های آنان تصور می‌کنند برای موفقیت در تحصیل باید ازدواج را به تأخیر بیندازند. در کنار این تصور عمومی، نبود ساختارهای مناسب چون خوابگاه متأهلان، اشتغال پاره‌وقت، وام‌های درازمدت، و مانند آن‌ها امکان ازدواج در دوران دانشجویی را برای بسیاری از دانشجویان با مشکل مواجه می‌کند. در این زمینه، با توجه به گسترش روزافزون

دوره‌های تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌ها، لازم است برای ایجاد زیرساخت‌های مناسب چون عوامل ذکر شده در بالا اقدام‌های مطلوب انجام شود.

هم‌چنان که یافته‌های پژوهش حاضر نشان داده است، در شرایط فعلی، افزایش سطح تحصیلات با افزایش توقعات جوانان در مسائل متعدد همراه است و این امر در ابعاد گوناگون انتخاب نوع زندگی، انتخاب همسر، و توقعات مادی زندگی رخ می‌نماید و اسباب تأخیر در سن ازدواج را فراهم می‌آورد. نتایج تحقیق حاکی از این امر است که اکثریت پاسخ‌گویان بر این نکته تأکید کرده‌اند که تحصیلات بالاتر موجب بالا رفتن توقعات و مشکل در انتخاب همسر می‌شود. بر این مبنای باید در فرهنگ عمومی جامعه و به‌ویژه در مراکز آموزش عالی، علاوه بر مهارت‌های تخصصی و علمی، به‌منظور رشد شخصیتی جوانان و ارائه معیارهای اساسی زندگی مبتنی بر رشد و تعالی جوانان برنامه‌ریزی و اقدام‌های لازم صورت گیرد.

یافته‌های پژوهش حاضر نقش بسیار مهم دین‌داری و باورهای دینی را نیز در امر ازدواج نشان داده است. نتایج تحقیق حاکی از این امر است که اکثریت قریب به اتفاق پاسخ‌گویان کم‌رنگ شدن ارزش‌های معنوی را عاملی مؤثر در گرایش نداشتن به ازدواج دانسته‌اند. آگاهی‌بخشی به جامعه به‌ویژه جوانان درباره الگوهای ازدواج صحیح بنا بر سیره معصومان (ع) از سوی حوزه‌های علمیه، مراجع دینی، و روحانیان از الزام‌های ترویج امر ازدواج است. با توجه به جایگاه و تأثیرهای مفاهیم و باورهای دینی و علاقه شدید مردم به ائمه اطهار (ع)، ارائه الگوهای خانواده سالم و ازدواج مناسب، با معرفی زندگی‌نامه آن بزرگواران، تأثیر به‌سزایی در افزایش آگاهی مردم و ایجاد و تقویت نگرش‌های صحیح دارد و گرایش به ازدواج صحیح را در بین جوانان تقویت می‌کند. در این زمینه، با توجه به حضور پررنگ روحانیان و ائمه جماعات در بین مردم و تعامل‌های گسترده و عمیق آنان با شهروندان، باید برنامه‌های تبلیغی و آگاهی‌بخشی مدون و خاص، به‌ویژه در ماه‌هایی چون ماه مبارک رمضان، پیش‌بینی و اجرا شود.

اصلاح فرهنگ عمومی جامعه و به‌عبارت دیگر استخراج، تصفیه، و بهره‌گیری از سنت‌ها و منابع فرهنگی جامعه از ضرورت‌های بسیار اساسی برای بهبود مسائل اجتماعی و فرهنگی و از جمله مسئله ازدواج است. در دهه‌های اخیر، به‌سبب گسترش پدیده جهانی شدن، رواج فرهنگ مصرف‌گرایی و روحیه تجمل‌گرایی، چشم و هم‌چشمی، و مانند آن‌ها هزینه‌های بسیار سنگینی بر ازدواج تحمیل می‌شود. از یک‌سو، هزینه تهیه تجهیزات فشار مالی بسیار سنگینی را بر خانواده دختر تحمیل می‌کند. فشار اجتماعی و احساس حفظ

آبروی خانواده پیش همسایگان و فامیل خانواده را وادار به تهیهٔ جهیزیه‌ای به‌ظاهر سنگین می‌کند. این امر بسیاری از خانواده‌ها را به‌سوی بانک‌ها و اخذ وام‌های با درصدهای بالا روانه می‌کند. از این رو، بسیاری از خانواده‌ها از نظر روانی مخالفت چندانی با تأخیر ازدواج فرزند خود ندارند، چراکه فکر می‌کنند در فاصلهٔ پیش‌آمده به‌تدریج بتوانند جهیزیهٔ مناسبی برای فرزند خود تدارک ببینند. از سوی دیگر، تحمیل هزینه‌های سنگین جشن ازدواج از جمله هزینهٔ باشگاه، خرید بازار، و مانند آن‌ها سبب می‌شود جوانی که هنوز نتوانسته است شغلی برای خود دست و پا کند و فاقد درآمد است از ازدواج سر باز زند.

با توجه به موارد فوق، بازگشت به فرهنگ و عناصر فرهنگ اسلامی و ایرانی مبتنی بر ساده‌زندگی کردن، قناعت، و مصرف درست و مناسب از ضرورت‌های اساسی بهبود زندگی خانوادگی و عمومیت‌بخشی به ازدواج و حل معضل تأخیر در سن ازدواج است. این امر مستلزم بسیجی همگانی برای بازگشت به ارزش‌های دینی و بومی جامعه است.

کتاب‌نامه

- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۷). *تحول فرهنگی در جامعهٔ پیش‌رفته صنعتی*، ترجمهٔ مریم وتر، تهران: کوبر.
- برهانی، فاطمه (۱۳۸۶). «عوامل مؤثر بر سن ازدواج»، <<http://library.tebyan.net>>.
- بستان، حسین (۱۳۸۳). *اسلام و جامعه‌شناسی خانواده*، قم: پژوهشکدهٔ حوزه و دانشگاه.
- بهنام، جمشید (۱۳۴۸). *جمعیت‌شناسی عمومی*، تهران: دانشگاه تهران.
- بی‌نام (۱۳۷۰). «سمینار جوان و ازدواج - گزارش جلسهٔ افتتاحیهٔ سمینار»، *عصر جدید*، ۷، س ۱، ش ۱، آذر.
- حبیب‌پور گنابی، کرم و غلامرضا غفاری (۱۳۹۰). «علل افزایش سن ازدواج دختران»، *مجلهٔ زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، دورهٔ نهم، ش ۱.
- خلیقی، حسین (۱۳۶۶). «ازدواج و جوانان»، *رسالت*، ۸ مرداد.
- خورشیدوند، ابوالقاسم (۱۳۷۱). «ازدواج جوانان، مسئله‌ای که حل آن یاری مسئولان را می‌طلبد»، *اطلاعات*، ۷ آذر.
- رجبی، عباس (۱۳۸۶). «سن ازدواج؛ عوامل افزایش و راه‌بردهای کاهش آن»، *نشریهٔ معرفت*، ش ۱۱۲.
- زارع، حسین، سعید طالبی، و محمدحسین صیف (۱۳۸۹). *آمار استنباطی پیش‌رفته*، تهران: پیام‌نور.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: سروش.
- سگالن، مارتین (۱۳۷۰). *جامعه‌شناسی تاریخی خانواده*، ترجمهٔ حمید الیاسی، تهران: نشر مرکز.
- شجاعی، محمدصادق (۱۳۸۴). «تحلیل روان‌شناختی افزایش سن ازدواج و نقش آن در انحرافات اخلاقی جوانان»، *مجلهٔ معرفت*، ش ۹۷.
- ضرابی، حمید، و سیدفرخ مصطفوی (۱۳۹۰). «بررسی عوامل مؤثر بر سن ازدواج زنان در ایران؛ یک رویکرد اقتصادی»، *فصل‌نامهٔ پژوهش‌های اقتصادی*، س ۱۱، ش ۴.

غیبی، حمید (۱۳۸۸). «تحقیق کاربردی؛ دلایل افزایش سن ازدواج جوانان»، منتشرشده در سایت جامع مدیریت، <<http://www.modiryar.com/index-management/cultural/psy/2119-1388-04-27-11-47-39.html>>.

فولادی، فاطمه (۱۳۸۸). «نیم‌نگاهی به علل افزایش سن ازدواج»، *زالزال همدایت*، س ۲، ش ۱. کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۸). «سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج و شناخت آثار و پیامدهای آن با تأکید بر ازدواج‌های دانشجویی»، *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، س ۱۳، ش ۲.

کنعانی، محمدمبین (۱۳۸۵). «پیوند سنت و نوسازی در افزایش سن ازدواج: نمونه ایرانیان ترکمن»، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، س ۱، ش ۱.

لوزیک، دانیلین (۱۳۸۳). *نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی*، ترجمه سعید معیدفر، تهران: امیرکبیر. مجدالدین، اکبر (۱۳۸۶). «بررسی دلایل و آثار افزایش سن ازدواج دختران روستایی در آشتیان»، *پژوهش‌نامه علوم انسانی*، ش ۵۳.

محمودیان، حسین (۱۳۸۳). «سن ازدواج در حال افزایش، بررسی عوامل پشتیبان»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۲۴.

Ardebily, M. (1988). 'The Evaluating of Attitudes Unmarried Boys 20-29 Years Old towards Marriages and its Factors' (Dissertation), Ferdowsi University of Mashad [in Persian].

Bartz, K. W. and F. L. Nye (1970). 'Early Marriage: A Propositional Formulation', *Journal of Marriage and the Family*, Vol. 32, No. 2.

Becker, Gary S. (1973). 'A Theory of Marriage', Part I, *The Journal of Political-Economy*, Vol. 81, No. 4.

Becker, Gary S. (1974). 'A Theory of Marriage', Part II, *The Journal of Political-Economy*, Vol. 82, No. 2.

Bradbury, T. N. (1995). 'Assesing the Four Fundamental Domains of Marriage', *Family Relations*, 4(44).

Brateen, T. B. and L. A. Rosen (1998). 'Development and Validation of the Marital Attitude Scale', *Journal of Divorce and Remarriage*, 29(2).

Brien, Michael J. and Lee A. Lillard (1994). 'Education, Marriage, and First Conception in Malaysia', *The Journal of Human Resources*, Vol. 29, No. 4.

Brüderl, Josef and Andreas Diekmann (1997). *Education and Marriage: A Comparative Study*, Munich: Institute of Sociology.

Freeman, H. and B. B. Brown (2001). 'Primary Attachment to Parents and Peers During Adolescence, Differences by Attachment Style', *Journal of Youth and Adolescenc*, Vol. 30.

Gotman, J. (1993). 'The Rotes of Conflict Engagement, Escalation and Avoidance in Marital Interaction: A Longitudinal View of Hive Type of Couples', *Journal of Counseling and Clinical Psychology*, 68 (3).

Ikamari, Lawrence (2005). 'The Effect of Education on the Timing of Marriage in Kenya', *Demographic Research*, Vol. 12, Max Planck Institute for Demographic Research.

Joshi, N. (2003). 'Correlates of Female Age Atmarriage in Two States: Uttaranchal and Utar Pradesh', <<http://jhuzzp.org>>.

- Kabir, Ahmad, Jahan Gulshana, and Jahan Rukhshana (2001). 'Female Age at Marriage as a Determinant of Fertility', *The Sciences*, Vol. 1, No. 6.
- Lundberg, Shelly and Robert A. Pollak (1993). 'Separate Spheres Bargaining and the Marriage Market', *The Journal of Political-Economy*, Vol. 21.
- Maitra, Pushkar (2004). 'Effect of Socioeconomic Characteristics on Age at Marriage and Total Fertility in Nepal', *Journal of Health, Population and Nutrition*, Vol. 22, No. 1.
- Malhotra, Anju and Amy O. Tsui (1996). 'Marriage Timing in Sri Lanka: The Role of Modern Norms and Ideas', *Journal of Marriage and the Family*, 58(2).
- McCrate, Elaine (1987). 'Trade, Merger and Employment: Economic Theory on Marriage', *Review of Radical Political Economics*, Vol. 19, No. 1.
- Mikulincer, M. and P. R. Shaver (2007). *Attachment in Adulthood: Structure, Dynamics, and Change*, New York: The Guilford Press.
- Nobles, Jenna and Alison Bутtenheim (2006). 'Marriage in Periods of Crisis: Evidence from Indonesia', *California Center for Population Research, On-Line Working Paper Series*, October.
- Oppenheimer, V. K. (1988). 'A Theory of Marriage Timing', *American Journal of Sociology*, No. 94.
- Pollak, Robert A. (2005). 'Bargaining Power in Marriage: Earnings, Wage Rates and Household Production', *NBER (National Bureau of Economic Research), Working Paper Series*, No. 11239.
- Quisumbing, A. R. and K. Hallman (2003). *Marriage in Transition: Evidence on Age, Education and Assets from Six Developing Countries*, New York: Population Council.
- Risch, S. C., K. M. Jodl, and J. S. Eccles (2004). 'Role of the Father-adolescent Relationship in Shaping Adolescent's Attitude toward Divorce', *Journal of Marriage and Family*, 66(1).
- Segrin, C., M. E. Talor, and J. Altman (2005). 'Social Cognitive Mediators and Relational Outcomes Associated with Parental Divorce', *Journal of Social and Personal Relationships*, 22(3).
- Smith, Peter C. (1980). 'Asian Marriage Patterns in Transition', *Journal of Family History*, 5(1).
- Stone, M. K. and R. L. Hutchinson (2009). 'Familial Conflict and Attitudes toward Marriage', *Journal of Divorce and Remarriage*, 76(1).
- Trent, K. and S. J. South (1992). 'Sociodemographic Status, Parental Background Childhood Family Structure, and Attitudes towards Family Formation', *Journal of Marriage and the Family*, 54.
- Wise, R. and S. King (2008). 'Family Environment and Friendship Qualities', *Journal of Family, Issues*, 36 (4).